

## **The Origin of the Front Rounded Vowels in Some New Iranian Languages**

**Mohammad Mehdi Esmaili\***

### **Abstract**

The front rounded vowels did not exist in the phonetic system of Old and Middle Iranian languages, but due to phonetic changes, they are observed in a number of New Iranian languages and even have a phonemic status in some of them. In fact, it can be said that by changing the number of phonemes in these languages, a phonemic split has occurred. Examining this diachronic change in a number of these languages, especially in the two varieties of the Central Iranian languages, this article shows that the most important factor in this change is the fronting, that is, a sound change in which a vowel becomes advanced or pronounced farther to the front of the vocal tract than some reference point, which apparently occurred unconditionally in these languages, although in some cases other factors such as vowel harmony and rounding of front vowels have also been involved in the formation of these vowels. Another finding of this study indicates that the fronting in some languages has given rise to more than one front rounded vowel, the latter of which is the mid (or mid-high) vowel, which has often been overlooked in previous studies.

**Keywords:** front rounded vowels, fronting, unconditioned change, New Iranian languages, Central Languages.

\* The Assistant Professor of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, [esmaaili@gmail.com](mailto:esmaaili@gmail.com)

Date received: 12/02/2022, Date of acceptance: 03/04/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## خاستگاه واژه‌های پیشین گرد در برخی زبان‌های ایرانی نو

محمد مهدی اسماعیلی\*

### چکیده

واژه‌های پیشین گرد در نظام آوایی زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه وجود نداشته‌اند، ولی در اثر تغییر و تحولات آوایی در تعدادی از زبان‌های ایرانی نو مشاهده می‌شوند و حتی در برخی از آنها نقش واجی نیز دارند. در واقع می‌توان گفت با تغییر در تعداد و شمار واج‌های این زبان‌ها انشقاق واجی رخ داده است. این مقاله که به بررسی این دگرگونی در زمانی در تعدادی از این زبان‌ها، به‌خصوص دو گونه از زبان‌های مرکزی ایران می‌پردازد نشان‌گر آن است که مهمترین عامل این تغییر، فرایند پیشین‌شدگی واژه‌ای یعنی تغییر از جایگاه پسین به جایگاه پیشین یا پیشین‌تر است که در بیشتر این زبان‌ها ظاهراً به‌صورت غیرمشروط رخ داده است، اگرچه در مواردی گردشگی واژه‌های پیشین، همگونی واژه‌ای و تغییر توالی چند آوا نیز در پیدایش این واژه‌ها دخیل بوده‌اند. همچنین دیگر یافته این تحقیق بیانگر آن است که پیشین‌شدگی واژه‌ای در برخی زبان‌ها باعث پیدایش بیش از یک واژه پیشین گرد شده که مورد دوم یعنی واژه میانی (یا نیم‌افراشته) معمولاً در پژوهش‌های قبلی مغفول مانده و ذکر از آن نشده است.

**کلیدواژه‌ها:** واژه‌های پیشین گرد، پیشین‌شدگی، تغییر غیرمشروط، زبان‌های ایرانی نو، زبان‌های مرکزی

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
esmaaili@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

### ۱. مقدمه

بررسی‌های صورت گرفته بر روی نظام‌های آوایی زبان‌های دنیا نشان می‌دهد که واکه‌های پیشین گرد در تعداد بسیار کمی از این زبان‌ها یافت می‌شوند. مثلاً ولوپیلایی (Vellupilai, 2012: 76) متذکر شده است که بسیاری از غربی‌ها به دلیل آشنایی با زبان‌های معروف اروپایی مثل آلمانی و فرانسه، که در نظام واکه‌ای خود واکه‌های پیشین گرد (افراشته و میانی) دارند؛ احتمالاً از این موضوع بی‌اطلاعند که این واکه‌ها از دید بین‌زبانی در واقع کمیاب و نادرند. با نگاهی به مطالعات آماری می‌توان نادر بودن واکه‌های پیشین گرد را دریافت. به‌طورمثال طبق آمار دادگان آپسید (UPSID) که حاصل بررسی نظام واکه‌ای ۳۱۷ زبان و شامل پیکره‌ای از ۲۵۴۹ واکه ساده است، شمار واکه‌های پیشین گرد در مقایسه با واکه‌های پیشین غیرگرد و حتی پسین گرد به مراتب کمتر است. این بررسی بیانگر آن است که فقط ۶ درصد واکه‌های پیشین (۶۱ مورد از ۱۰۱۹ واکه) گرد هستند، در حالی که ۹۴ درصد واکه‌های پیشین (۹۵۸ مورد از مجموع ۱۰۱۹ واکه) غیرگردند (Maddison, 1984: 124). در صورت اضافه شدن واکه‌های پسین به این آمار، فقط ۳.۲ درصد از مجموع کل واکه‌های دو گروه پیشین و پسین (یعنی ۶۱ مورد از ۱۹۸۳ واکه) پیشین گرد محسوب می‌شوند.

جدول ۱. طبقه‌بندی کلی واکه‌ها در آپسید (Maddison, 1984: 124)

	پیشین		مرکزی		پسین		مجموع
	غیرگرد	گرد	غیرگرد	گرد	غیرگرد	گرد	
افراشته	۴۵۲	۲۹	۵۵	۱۰	۳۱	۴۱۷	۹۹۴
میانی	۴۲۵	۳۲	۱۰۰	۸	۱۹	۴۴۸	۱۰۳۲
افتاده	۸۱	۰	۳۹۲	۱	۱۳	۳۶	۵۲۳
مجموع	۹۵۸	۶۱	۵۴۷	۱۹	۶۳	۹۰۱	۲۵۴۹
	۱۰۱۹		۵۶۶		۹۶۴		

مدیسون (Maddison, 2005: 50) در بررسی جدیدتر خود از نظام آوایی ۵۶۱ زبان نشان داده است که فقط در ۳۷ زبان، یعنی تقریباً ۶/۶ درصد از این تعداد، واکه‌های پیشین گرد

(یک یا بیش از یک واکه) دیده می‌شوند و در ۵۲۴ زبان باقیمانده دیگر این‌گونه واکه‌ها اصلاً وجود ندارند.

نشانداری این واکه‌ها را علاوه بر معیار فراوانی و بسامد در مقایسه با دیگر واحدهای واجی، می‌توان با دو معیار دیگر نیز ثابت کرد. معیار اول این قانون تلویحی است که حضور واحد نشاندار دربردارنده حضور صورت متناظر بی‌نشان آن است. چون گرد بودن ارزش بی‌نشان واکه‌های غیرافتاده پسین و غیرگرد بودن ارزش بی‌نشان واکه‌های غیرافتاده پیشین است، بنابراین اگر در زبانی مشخصه گرد بودن برای واکه‌های غیرافتاده پیشین تمایزدهنده باشد، انتظار می‌رود مشخصه غیرگرد بودن نیز برای واکه‌های متناظر تمایزدهنده باشد (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۴: ۸۳-۸۴). براین اساس در زبان‌های دارای واکه‌های پیشین گرد [ü, ö] واکه‌های پیشین غیرگرد [i, e] و واکه‌های پسین گرد [u, o] نیز وجود دارند؛ مانند وضعیتی که در زبان‌های آلمانی، فرانسه، سوئدی، هلندی، آلبانیایی، ماندارین، لژگی (از گروه ناخ-داغستانی) و داگور (از گروه مغولی) مشاهده می‌شود (Maddison, 2005: 50; Dohlus, 2010: 28; Gussenhoven and Jakobs, 2011: 40) ولی عکس این قضیه صادق نیست، یعنی وجود واکه‌های پیشین غیرگرد و پسین گرد به معنی وجود واکه‌های پیشین گرد نیست، مانند وضعیتی که در فارسی معیار دیده می‌شود.

معیار دوم مربوط به زمان و ترتیب فراگیری و از بین رفتن واکه‌های پیشین گرد می‌شود. در فرایند یادگیری زبان کودک، این واکه‌ها در مقایسه با واکه‌های بی‌نشان، دیرتر فراگرفته می‌شوند و در افراد زبان‌پریش برعکس مورد قبل، زودتر از یاد می‌روند. یاکوبسون (Jakobson, 1968: 57) این مطلب را این‌گونه بیان کرده است: «واکه‌های کامی (پیشین) گرد که روسلو (Rousset) آنها را به‌درستی واکه‌های ثانویه نامیده است، فقط پس از آن که واکه‌های اولیه متناظرشان، یعنی واکه‌های نرم‌کامی (پسین) گرد و یا کامی غیرگرد با درجه بازی یکسان فراگرفته شدند، پدیدار می‌شوند».

اما نکته مهم دیگر که در واقع موضوع اصلی این مقاله است، وضعیت در زمانی این‌گونه واکه‌هاست. مطالعه و بررسی‌های تاریخی تعداد زیادی از زبان‌ها که آثار و اسناد مکتوب فراوانی از گذشته آنها به‌جا مانده، معلوم کرده است که حضور و وجود واکه‌های پیشین گرد معمولاً نشانه و نتیجه گسترش و بزرگ شدن نظام‌های آوایی‌ای است که پیش‌تر تعداد واکه‌های کمتری داشته‌اند و به عبارت دیگر با تغییر و تحوّل در تعداد واج‌های این

زبان‌ها انشقاق واجی رخ داده است (Maddison, 2005: 50). رایج‌ترین این تغییرات که پیشین‌شدگی (fronting) نامیده می‌شود فرایندی است که طی آن واکه‌های پسین (به‌ویژه غیرافتاده‌ها) به جلوی دهان منتقل شده و جایگاهی کاملاً پیشین یا پیشین‌تر (مرکزی) می‌یابند. البته رخداد این فرایند ممکن است با تغییر یک مشخصه دیگر یعنی حذف گردی (گردی‌زدایی) نیز همراه باشد.

از آنجایی که تا کنون درباره وضعیت واکه‌های پیشین‌گرد در بررسی‌های تاریخی و تطبیقی زبان‌های ایرانی تحقیق کاملی صورت نگرفته است و در محدود پژوهش‌های انجام‌شده نیز بدون ارائه مواد زبانی کافی فقط با ذکر چند نمونه به وجود آنها اشاره‌ای شده است، لذا این مقاله قصد دارد با ارائه داده‌ها و شواهد کافی خاستگاه و منشأ این واکه‌ها را در زبان‌های ایرانی نو به‌ویژه در دو گونه از زبان‌های مرکزی ایران یعنی ایبانه‌ای و طرّقی (که نتیجه تحقیق میدانی نگارنده بوده است) بررسی کرده و مشخص کند که آیا تغییرات دیگری به‌جز پیشین‌شدگی باعث ظهور این واکه‌ها بوده‌اند یا نه؟

## ۲. پیشینه تحقیق

شاید قدیمی‌ترین نمونه چنین تغییری مورد یونانی باستان باشد. دو واکه واجی گرد /i:/ و /ū/ در گویش آتیکی (Attic)، نتیجه فرایند پیشین‌شدگی واکه‌های /u/ و /ū/\* در یونانی آغازین بوده‌اند (Woodard, 2015: 659; Thompson, 2017: 295-296; Fortson, 2004: 226; Beekes, 2011: 69; Szemerényi, 1996: 37). این دگرگونی که مربوط به دوره کلاسیک متقدم و یا پیش از آن (حدود قرن شش پیش از میلاد) است، در دیگر گویش‌های یونانی از جمله گویش آیولی (Aeolic) زبان بئوسی (Boeotian) (که جایگاه پسین /u(ː)/ را حفظ کرده) رخ نداده است. به همین دلیل در میانه قرن چهارم پیش از میلاد، زمانی که گویشوران بئوسی الفبای آتیکی را پذیرفتند، برای تمایز گذاردن بین این دو تلفظ، از دونویسه (digraph) <ou> (معادل /ū/ در آتیکی) به جای <y> (معادل /i(ː)/ در آتیکی) استفاده کردند، مثل املاي واژه بئوسی ἀργούριον <argourion> در برابر واژه آتیکی ἀργύριον <argyriion> به معنی «نقره، پول». البته در گویش بئوسی نیز بعداً در قرن سوم پیش از میلاد واکه‌های گرد پیشین در اثر پیشین‌شدگی واکه مرکب /oi/ به /ö/ و سپس /i:/ به وجود آمد (Woodard, 2015: 659). نکته مهم درباره این پیشین‌شدگی این است که

غیرمشروط بوده و به خودی خود رخ داده و ظاهراً ربطی به واکه یا همخوان مجاور واکه تغییر یافته نداشته است.

ولی نوع دیگری از این پیشین‌شدگی به شکل مشروط رخ داده است به این ترتیب که دگرگونی صوتی تحت شرایط خاصی مانند تأثیر واج‌های مجاور صورت گرفته است. شناخته‌شده‌ترین مثال این دگرگونی (درواقع همگونی)، فرایند اوملاوت (umlaut) یا پیشین‌شدگی واکه‌ای پَسرو است که همهٔ زبان‌های ژرمنی (به‌جز گوتیک) را متأثر کرد (Fortson, 2004: 315, 318; Anttila, 1989: 61-62). براساس لَس (Lass, 1997: 299) نه زبان ژرمنی آغازین و نه زبان‌های ژرمنی شمالی و غربی، هیچ‌کدام واکه‌های پیشین گرد نداشته‌اند. ولی در مواردی که در هجا(ها)ی بعد از یک واکهٔ پسین تکیه‌دار، واکهٔ پیشین /i/ یا غلت /y/ وجود داشته است، در اثر همگونی ناقص، واکهٔ پسین (در هجای قبلی) به واکه‌ای پیشین تبدیل شده است. در تاریخ زبان انگلیسی پیدایش و حذف پی‌درپی و پیوستهٔ واکه‌های پیشین گرد رخ داده است. دو واکهٔ گرد /y, ø/ در نتیجهٔ فرایند پیشین‌شدگی دو واکهٔ ژرمنی آغازین /u, o/ در نظام آوایی زبان انگلیسی باستان متقدم به‌وجود آمدند. برای مثال دو واژهٔ ژرمنی آغازین *\*kun-j-ō* و *\*dōxtr-i* به ترتیب به *[kūn]* <cynn> «خویشاوند» و *[dœxter]* <dochter> «دختران» در انگلیسی باستان متقدم تبدیل شدند. سپس این دو واکهٔ پیشین در دورهٔ انگلیسی باستان متأخر با از دست دادن گردی، با واکه‌های هم‌ارتفاع خود یعنی /i/ و /e/ ادغام شدند و به این شیوه از بین رفتند. ولی دوباره در انگلیسی میانهٔ متقدم ظهور پیدا کردند که در گونه‌های معیار جنوبی انگلیسی میانهٔ متأخر حذف شدند و در حال حاضر دیگر بار در گویش‌های نوی انگلیسی به شکل فزاینده‌ای در حال ظهور هستند (ibid.).

جدول ۲. پیشین‌شدگی در انگلیسی: دو واژهٔ «موش» و «پا» (Campbell, 2004: 23)

موش	موش‌ها	پا	پاها	
*/mūs/, [mūs]	*/mūs-iz/	*/fōt/	*/fōt-iz/	۱: ژرمنی آغازین
/mūs/, [mūs]	/mūs-i/, [mūs-i]	/fōt/, [fōt]	/fōt-i/, [fōt-i]	۲: انگلیسی باستان
/mūs/, [mūs]	/mūs-i/, [mȳs-i]	/fōt/, [fōt]	/fōt-i/, [fōt-i]	۳: اوملاوت
/mūs/, [mūs]	/mȳs/, [mȳs]	/fōt/, [fōt]	/fōt/, [fōt]	۴: حذف واکهٔ پایانی
/mūs/, [mūs]	/mīs/, [mīs]	/fōt/, [fōt]	/fēt/, [fēt]	۵: حذف گردی

/maus/	/mais/	/füt/	/fit/	۶: تغییر بزرگ واکه‌ای
--------	--------	-------	-------	-----------------------

علاوه بر زبان‌های هندواروپایی در دیگر زبان‌های دنیا نیز پیشین‌شدگی رخ داده است. کی (Kaye, 1997: 199) از فرایندی اینچنین در زبان عربی، یعنی تلفظ واکه u با اثری از واکه i با عنوان «اشمام» (لبی‌زدایی/غیرلبی‌شدگی) نام می‌برد. این فرایند که در آن واکه /ū/ (احتمالاً با گذر از مرحله میانی [ü]) به واکه /i/ تبدیل می‌شود، باعث به‌وجود آمدن تناوب‌هایی مانند rīm ~ rūm «روم» و بعضی صورت‌های گویشی مثل تلفظ /rudda/ به شکل [rūdda] «او برگشته است»، یا /qīla/ (در عربی کلاسیک) به شکل /qūla/ «گفته شد» (از صورت زیرساختی [quwilal] شده است. ضمناً برخی گویش‌های عربی واکه [ü] را دارند، از جمله عربی یهودی-مراکشی و عربی موریتانیایی (حَسَنِيَّة) و نیز عربی قاهره‌ای که به داشتن واکه [ö] (در الفبای آوانگار بین‌المللی [ʏ]) معروف است (ibid.).

### ۳. واکه‌های پیشین‌گرد در زبان‌های ایرانی

اگرچه وضعیت واجی زبان‌های ایرانی باستان و میانه به علت نبود خط دقیق و زنده نبودن آن‌ها، بیش‌تر در حد حدس و گمانه‌زنی است، با این حال در هیچیک از منابع معتبری که به توصیف نظام واکه‌ای زبان‌های ایرانی باستان و میانه پرداخته‌اند، اشاره‌ای به وجود واکه‌های پیشین‌گرد نشده است. در این آثار علاوه بر اشاره به تقابل ساده و مرکب بودن واکه‌ها (در دوره باستان)، و نیز وجود شش (در زبان‌های دوره باستان) یا هشت واکه ساده واجی (در زبان‌های دوره میانه)، فقط به نقش تقابلی کشش یا کمیت واکه‌ها تأکید شده است. در این زبان‌ها واکه‌های تقریباً هم‌ارتفاع (مانند /u/ و /ū/ یا /i/ و /ī/) با کیفیتی یکسان ولی کمیتی متفاوت تولید می‌شده‌اند (Skjærvø, 2009: 200). ضمناً در غالب این آثار معمولاً بدون اشاره به خاستگاه واکه‌های گرد پیشین، فقط به وجود آن‌ها در این زبان‌ها اشاره شده است. از آن‌جا که موضوع بحث این مقاله خاستگاه این واکه‌ها است و نه صرفاً وجود آن‌ها، برای همین فقط به برخی از زبان‌هایی اشاره می‌شود که مطلبی درباره منشأ آن‌ها داشته‌اند.

از میان گروه شرقی زبان‌های ایرانی نو، برخی واکه پیشین‌گرد دارند. برای نمونه در زبان یغناپی واکه [y:] ē/ū که واجگونه \*ū تاریخی در هجاهای تکیه‌دار است فقط در گویش غربی مشاهده می‌شود، مانند kabūd/kabūd «کبود» (از \*kabūd) و xūr/xūr «خورشید» (Novák, 2013: 27, 82, 88). البته بیلمایر (۱۳۸۳: ۷۸۱) وضعیت واجی این واکه را



نامشخص توصیف کرده و نواک (Novák, 2018: 31) نیز معتقد است که شرایط و بافتی که در آن پیشین‌شدگی مذکور رخ داده هنوز دقیقاً شرح داده نشده است. در زبان پراچی نیز، به‌خصوص در گویش شتُل، واکه‌های پسین گرد بلند گرایش به پیشین‌شدن دارند (،  $\bar{u}, \bar{o} > \bar{u}, \bar{o}$ ) (Novák, 2013: 57; Kieffer, 2009: 694). البته پژوهشگران (Morgenstierne, 1929: 22-46; Novák, idem.) به‌جز پیشین‌شدگی خاستگاه‌های دیگری را نیز برای پیدایش واکه‌های گرد پیشین در پراچی و گاه دیگر زبان‌های شرقی به‌ویژه زبان‌های پامیری ذکر کرده‌اند، از جمله تبدیل \*á به  $\bar{o}$ - $\bar{o}$ ، مانند واژه بُرتَنگی čōd و رُشروی ēūd (قس شُغنی čīd) «خانه» که همه منشعب از ایرانی باستان \*kāta هستند. در جدول زیر چند مثال برای این تغییر (یعنی تبدیل \*á به  $\bar{o}$ ) از زبان پراچی ارائه شده است:

جدول ۳. تغییر و تحوّل واکه \*á به  $\bar{o}$  در پراچی

فارسی	ایرانی آغازین	پراچی	فارسی	ایرانی آغازین	پراچی
خرگوش	< *sahāka-	sahōk	اسب	< *átswa-	ōsp
نان	< *nikāna-	naṽōn	ده	< *dátsa-	dōs
ناخن	< *náxra-	nōrk	دست	< *dzásta-	dōst
خر	< *xāra-	khōr	هشت	< *ášta-	ōšt

در پراچی توالی \*āwā و \*āywa نیز به  $\bar{o}$ - $\bar{o}$  تبدیل شده است، مانند مثال‌های زیر:

جدول ۴. تغییر و تحوّل توالی آوایی \*āwā در پراچی

فارسی	ایرانی آغازین	پراچی	فارسی	ایرانی آغازین	پراچی
او	< *awa-	ō	جو	< *yawa-	žō
تو (ضمیر)	< *tawa-	tō	نه، نو	< *nawa-	nō

نقش واجی واکه‌های پیشین گرد در همه این زبان‌ها به‌دلیل عدم ارائه جفت کمینه به قطع و یقین معلوم نیست، ولی در میان مثال‌های ارائه‌شده مرگنستیرنه (Morgenstierne, 1929: 42-43) از زبان پراچی، وجود واژه \*spō «سگ» (از ایرانی باستان \*sṽá-ka) در تقابل با \*spō «شپش» (از ایرانی باستان \*sṽiša) را ظاهراً می‌توان نشانه واج بودن این واکه دانست (گرچه یفیموف (Efimov, 2011: 298) به ترتیب espó و espó ثبت کرده است).

در زبان‌های ایرانی نوی غربی نیز این فرایند به صورت کمابیش پراکنده مشاهده می‌شود که از آن میان می‌توان به این چند مورد اشاره کرد. براساس الفنباین (Elfenbein, 1997: 763-764) در بلوچی سراوان (که گویش پراعتباری محسوب می‌شود)  $\bar{a}$  باستانی معمولاً در هجاها تکیه‌دار، در اثر پیشین‌شدگی به واکه  $\bar{a}$  (در گویش‌های ساحلی به واکه  $\bar{a}$ ) تبدیل می‌شود، به جز وام‌واژه‌های جدیدی که اخیراً به این زبان وارد شده‌اند. در لاشاری هم برخی گویشوران ظاهراً به تقلید از گویش معتبر سروانی این پیشین‌شدگی را انجام می‌دهند، به این صورت که واکه  $\bar{o}$  دیگر گویش‌ها غالباً به صورت  $\langle \bar{o} \rangle$  [ø:] شنیده می‌شود. نغزگوی کهن (۱۳۸۴: ۴۲) نیز با اشاره به این موضوع در تالشی، [ü] را واجگونه‌ای محسوب کرده که در توزیع تکمیلی با واج /u/ قرار دارد و قبل از همخوان‌های لثوی نمود می‌یابد، مانند *dür* «دور»، *lūla* «لوله»، *vüz* «گردو». او (همانجا) همچنین به غیرمتمقان بودن این نظام اشاره کرده که بالقوه می‌تواند موجب تغییر شود. دیهیم (۱۳۸۰: ۱۰) در توصیف گویش‌های منطقه قصران عنوان کرده که آوای *u* در این گویش‌ها بسته‌تر از *u* در تهران تلفظ می‌شود و به *y* نزدیکتر است، بدون آن که عین آن باشد. او (همانجا) این آوا را با نشانه  $\langle \bar{u} \rangle$  نشان داده است، مثل *dūsd* «دوست»، *rūz* «روز»، ولی این را هم اضافه کرده است که در عین حال و به ندرت بعضی کلمات با  $\langle y \rangle$  تلفظ می‌شوند، مثل *dzyr* «جور» و *mifyfđan* «می‌شستند». در گویش‌های شمالی فارسی تاجیکی مانند گویش بخارایی و تاجیکی معیار نیز پیشین‌شدگی واکه، البته نه به طور کامل، رخ داده است. واکه  $\bar{o}$  در فارسی نوی متقدم (یا فارسی میانه)، در اثر پیشین‌شدگی به واکه مرکزی  $\bar{o}$  /θ/ (آوای افراشته شده کشیده [θ̄]) که در منابع مختلف به سه شکل  $\langle \bar{u} \rangle$ ،  $\langle u \rangle$  و  $\langle \bar{u} \rangle$  (در خط سیریلی تاجیکی با نشانه  $\langle \bar{y} \rangle$ ) نشان داده شده تبدیل گشته است (Windfuhr and Perry, 2009: 425-426, 534; Idō, 2014: 90-91). مثال‌های زیر چند نمونه از این تبدیل را نشان می‌دهد:

جدول ۵. پیشین‌شدگی واکه  $\bar{o}$  در تاجیکی (گونه‌های شمالی)

فارسی	فارسی میانه	آوانویسی	تاجیکی	فارسی	فارسی میانه	آوانویسی	تاجیکی
زور	$\langle zōr \rangle$	/zər/	zūr	روز	$\langle rōz \rangle$	/rəz/	rūz
کوه	$\langle kōf \rangle$	/kəh/	kūh	سوز	$\langle sōz \rangle$	/səz/	sūz
دوست	$\langle dōst \rangle$	/dest/	dūst	موی	$\langle mōy \rangle$	/mej/	mūy
دوختن	$\langle dōxtan \rangle$	/dəxtan/	dūxtan	چوب	$\langle čōb \rangle$	/tʃəb/	čūb

خاستگاه واژه‌های پیشین گرد در برخی زبان‌های ... (محمد مهدی اسماعیلی) ۵۹

البته وجود واژه‌هایی مانند نمونه‌های جدول ۶ نشانگر آن است که واژه جدید /θ/ در مواردی ممکن است خاستگاهی غیر از مورد گفته‌شده قبلی هم داشته باشد و به عبارتی استثنائاتی هم در این باره وجود دارد:

جدول ۶. دیگر خاستگاه‌های واژه /θ/ در تاجیکی (گونه‌های شمالی)

فارسی	فارسی میانه	آوانویسی	تاجیکی	فارسی	فارسی میانه	آوانویسی	تاجیکی
خوردن	< xwardan	/χørdan/	xūrdan	رُفتن	< ruftan	/røftan/	rūftan
ابرو	< brūg	/abrø/	abrū	پهلو	< pahlūg	/pahlə/	pahlū

برای نقش واجی این واژه می‌توان به جفت کمینه /søxt/ «(او) سوخت» و /soxt/ «(او) ساخت» اشاره کرد (Idō, 2014: 91). جدول ۷ نیز خاستگاه این واژه را در مقایسه با دیگر واژه‌های تاجیکی نشان می‌دهد:

جدول ۷. تحول واژه‌های تاجیکی (Windfuhr and Perry, 2009: 534)

فارسی تاجیکی	i	e	u	ø	a	o
	↑	↑	↑	↑	↑	↑
فارسی نوی مقدم	i	ī	ē	u	ū	ō
					a	ā

لازم به ذکر است که در گویش‌های مرکزی تاجیکی این پیشین‌شدگی به واژه گرد نزدیک‌بسته نزدیک پیشین [ɣ] (گویش‌های ناحیه مس‌ت‌چاه علیا) و واژه گرد نزدیک‌بسته نزدیک پسین [ʊ] (گویش‌های ناحیه مس‌ت‌چاه سفلا و بیشتر گویش‌های ناحیه فلغ‌ر) نیز بوده است (Idō, 2009: 68; Novák, 2018: 31). علاوه بر این در مواردی که واژه \*ū در هجاهای بسته، پیش از همخوان‌های چاکنایی و حلقی h و ʕ و نیز همخوان‌های حلقی شده عربی قرار گرفته باشد، پیشین‌شدگی رخ داده است، مانند kūhná «کهنه»، rūh «روح»، sūhbat «صحبت»، mūhtaram «محترم» (قس mustaqil «مستقل»)، mūʕmín «مؤمن»، sūfi «صوفی»، arūz «عروض» (Novák, 2018: 31; Windfuhr and Perry, 2009: 425-426, 534).

علاوه بر فارسی تاجیکی، پیشین‌شدگی در دیگر گونه‌های فارسی نیز گزارش شده است، از جمله اُکاتی و دیگران (Okati and al., 2009: 120-131) اظهار کرده‌اند که واژه ū (در

فارسی نوی متقدم) در گویش سیستانی به واکه مرکزی [θ] و در صورت قرار گرفتن در کنار هم‌خوان‌های تیغه‌ای، با پیشین‌شدگی بیشتر به واکه پیشین [ʔ] تبدیل شده است. در تحقیق میلر و موتس (Miller and Moats, 2011) درباره فارسی هراتی عنوان شده که با ادغام دو واکه ū و ǝ (در فارسی نوی متقدم) به واکه [y] پیشین شده‌اند، مانند /bydim/ «بودیم»، /dyst/ «دوست»، /farāmyf/ «فراموش».

#### ۴. واکه‌های پیشین‌گرد در زبان‌ها و گویش‌های مرکزی ایران

کرانکه (Krahnke, 1974: 137-138) در تحقیق خود درباره این گروه از زبان‌های ایرانی بدون ارائه مثال کافی و جزئیات بیشتر، به دادن توضیحات کلی بسنده کرده و چنین عنوان داشته است:

یک پدیده رایج در گویش‌های مرکزی، پیشین‌شدگی واکه‌های پسین افزاشته ū و o به جایگاهی مرکزی همراه با گردی (یعنی [ū] و [ǝ]) است، که گاهی حتی به جایگاه [y] نیز می‌رسد. این گرایش عام را مورگنستیرنه (Morgenstierne, 1958: 158) و [گایگر] (Grundriss der iranischen Philologie. I/2, 384) متذکر شده‌اند. مشخص کردن شرایط واجی برای رخداد این تغییر دشوار است. به نظر نمی‌رسد که قبل از نرم‌کامی‌ها اتفاق بیافتد (اگرچه در گونه طاری کلمه sündüq «صندوق» دیده می‌شود) و ظاهراً قبل از دندان‌ها (از جمله r) رایج‌تر است. همچنین رخداد آن در تکواژهای تک‌هجایی مشهودتر است، اگرچه مثال‌های نقیض زیادی نیز برای آن وجود دارد. علاوه‌براین به نظر می‌رسد تحت تأثیر و گسترش زبان فارسی، عکس این فرایند نیز در حال رخدادن باشد.

از آنجایی که در معدود تحقیقات صورت‌گرفته پیشین درباره این زبان‌ها و گویش‌ها، فقط با ارائه داده‌هایی اندک که غالباً گردآورده خود محقق نبوده، بلکه از آثار چاپ‌شده دیگران برگرفته شده و نتیجتاً اشتباهات و ایرادات آن تحقیقات در ثبت تلفظ واقعی کلمات، باعث نتیجه‌گیری‌هایی بعضاً نادرست شده است، لذا در ادامه این مقاله با ارائه داده‌ها و شواهد کافی این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ضمناً به دلیل محدودیت حجم مقاله فقط به بررسی خاستگاه واکه‌های پیشین‌گرد در دو زبان ایبانه‌ای و طرّقی (به عنوان نمونه‌ای از این گروه زبانی رایج در شهرستان نطنز) پرداخته می‌شود. انتخاب این دو مورد

به این دلیل است که نگارنده به علت انجام تحقیق میدانی، دقیق‌ترین داده‌ها را از این دو گونه دارد. همچنین با استفاده از واژه‌نامه‌های زبان‌های ایرانی میانه غربی، از جمله مکنزی (۱۳۸۸)، رضایی باغبیدی (۱۳۸۵)، بویس (Boyce, 1977) دورکین-مایسترارنست (Durkin-Meisterernst, 2004)، فهرستی از واژه‌های دارای واکه‌های پسین گرد استخراج شد تا بازتاب تغییر و تحولات آنها در واژه‌های این دو زبان بررسی شود. لازم به ذکر است که این واکه‌ها در بیشتر زبان‌های این گروه زبانی نقش تمایزدهنده واجی دارند که چون در تحقیق دیگر نگارنده (اسماعیلی، ۱۳۹۷) در این باره به طور کافی و با ارائه جفت‌های کمینه صحبت شده، از ذکر مجدد آن در اینجا صرف‌نظر می‌شود.

#### ۱.۴ خاستگاه واکه /i:/ در ایبانه‌ای و طرقی

واکه /i:/ در هر دو زبان (و به طور کلی تقریباً در همه دیگر زبان‌های این گروه) در بیش‌تر موارد نتیجه پیشین‌شدگی غیرمشروط واکه پسین /i:/ در ایرانی میانه (یا ایرانی نوی متقدم) است. نکته دیگر آن که این تغییر در بسیاری از واژه‌های قرضی (عربی و یا با منشاء نامعلوم) نیز دیده می‌شود. واژه‌های دو جدول زیر که اولی منتخبی از واژه‌های دارای منشاء ایرانی میانه و دومی دارای منشاء قرضی (عمدتاً عربی) هستند، نشانگر فراگیر بودن این تبدیل‌اند:

جدول ۸. پیشین‌شدگی واکه /i:/ در واژه‌های با منشاء ایرانی میانه

فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه	فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه
کون	kün	kúna	kün	آهو	âhü	ohü	âhüg
موش	müš	müš	müš	آلو	âlû	golû	âlüg
پهلو	pehlü	pâlû	pahlüg	انگور	engür	hangür	angür
پوسید-	püsâ-	püsa-	*püsâd-	بازو	bâhü	bohü	bâzüg
ستون	sütün	sütün	stün	ابرو	abrü	âvrü	brüg
سود	süd	süd	süd	بومی	bümi	bümi	bümig
توت	tü	tü	tüt	دود	dü	dü	düd
خون	xün	xün	xün/xön	دور	dür	dúr(a)	dür
مادرزن	xârsü	xâsrúya	*xwasrû	گه	gü	gü	güh
پدرزن	bâxsüra	boxâsürâ	*x <sup>w</sup> asür	جادو	jâdü	jâdü	jâdüg

jahūd	jūhūd	jūhūd	یهود	zūd	zū	zū	زود
pūr<puhr	pūr(â)	pūr	پسر	sūr<suxr	sūr	sūr	سرخ

جدول ۹. پیشین‌شدگی واکه /ū/ در وام‌واژه‌ها

وام‌واژه	ایبانه‌ای	طرقی	فارسی	وام‌واژه	ایبانه‌ای	طرقی	فارسی
fuzūl	fūzūl	fözūl	فضول	nūr	nūr	nūr	نور
hasūd	hasūd	hasūd	حسود	pūl	pūl	pūl	پول
manzūr	manzūr	manzūr	منظور	qabūl	qöbūl	qebūl	قبول
maxsūs	mâxsūs	maxsūs	مخصوص	qūfī	qūti	qūti	قوطی
maymūn	māymūn	meymūn	میمون	ṣābūn	sōbūn	sābūn	صابون
mazlūm	māzlūm	mazlūm	مظلوم	sātūr	šotūr	sātūr	ساطور
maʔlūm	maʔlūm	maʔlūm	معلوم	tābūt	tōbūt	tābūt	تابوت
maʔrūf	maʔrūf	maʔrūf	معروف	tūn	tūn	tūn	تون
mūm	mūm	mūm	موم	tūtūn	tüttūn	tüttūn	توتون

مثال‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد که این تبدیل استثنائاتی نیز دارد. به عبارت دیگر این تغییر همیشه به صورت مشترک در هر دو زبان مشاهده نمی‌شود، بلکه گهگاه به دلایلی از جمله تغییرات آوایی دیگری، مثل حذف واکه و هجاء، یا کاربرد واژه‌هایی از ریشه و منشائی دیگر، پیشین‌شدگی فقط در یکی از زبان‌های مذکور رخ داده است. به عبارت دیگر این تبدیل در بافت‌های مشابه آوایی اکثراً انجام گرفته و گاه انجام نگرفته است. نکته قابل توجه دیگر این که در مواردی نیز، اگرچه پیشین‌شدگی واکه پسین /ū/ صورت گرفته ولی این تغییر به جای واکه /ū/ به واکه افتاده تر /ö/ و در موارد معدودتری (مانند دو کلمه آبتن و کدو) با حذف گردی به واکه /i/ بوده است:

جدول ۱۰. پیشین‌شدگی نامنظم واکه /ū/

صورت‌اولیه	ایبانه‌ای	طرقی	فارسی	صورت‌اولیه	ایبانه‌ای	طرقی	فارسی
ālūg	hālg	hūlū	هلو	rūh	rūh	rōh	روح
*ābūr	ovire	ovir	آبتن	sandūq	sündūq	sendōq	صندوق
ašnūd-	enō-	ayinjā-	شنید-	tambākū	tambōku	tambākō	تنباکو
būd-	bō-	bo-	بود-	tarāzūg	darōqza	tōrāzg	ترازو

خاستگاه واژه‌های پیشین گرد در برخی زبان‌های ... (محمد مهدی اسماعیلی) ۶۳

būf	jōqd	būf	بوف	xūb	xūb	xub	خوب
būq	būq	bōq	بوق	zadūg	zay	ǰey	صمغ
hūg	xūk	xōg	خوک	zalūg	zârū	zowlow	زالو
kadū	kōyiya	kūvi	کدو	zānūg	zung	zānū	زانو
mašqūl	māšqūl	mašqōl	مشغول	ʕamū	omū	âmō	عمو
mijūg	nézga	nizg	عدس	ʕarūs	orus	orūs	عروسی

این تغییر در معدود مواردی مانند دو کلمه جدول ۱۱ نیز اصلاً رخ نداده است:

جدول ۱۱. ابقاء واکه /ū/

فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه	فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه
بوسید-	busâ-	bus-	būsâd-	سور	sur	sur	sūr

البته ظهور و وجود واکه /ū/ در تعداد کمتری از واژه‌ها (ایرانی یا قرضی عربی) منشاء و خاستگاه دیگری دارد و نتیجه تغییر و تبدیل در دیگر واژه‌ها، از جمله افزایش و گردشگی واژه‌های پیشین است. همانگونه که مثال‌های جدول زیر نشان می‌دهد، این وضعیت بیشتر در ایبانه‌ای مشاهده می‌شود:

جدول ۱۲. افزایش و گردشگی واژه‌های پیشین

فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه	فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه
نویس-	vnes-	nömüs-	nibēs-	صورت	düm	düm	dēm
نوشت-	nevešt-	nömüšt-	nibišt-	همیشه	hamiša	hamišāv	hamēšag
قالی	qâli	qalū	qālī	کبریت	kerbüt	kerbüt	kebrīt
شوید	štivi	šövi	ševīd	لیزید-	lizâ-	lüz-	*lēz-
طوبله	tebila	tabülâ	tawīla	مهیپ	---	möhüb	mahīb
زن- (فعل)	xos-	xüs-	*x*ās-	ماهی	mâhi	mohü	māhīg

نکته قابل توجه دیگر این که در مواردی که واکه /u/ نتیجه افزایش و گردشگی واکه /ā/ پیش از هم‌خوان‌های خیشومی (یعنی مشتق و ناشی از /ān/ یا /ām/ ایرانی میانه) بوده، پیشین‌شدگی تقریباً رخ نداده است:

جدول ۱۳. افراشتگی واکه /ā/ پیش از همخوان‌های خیشومی

فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه	فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه
آرام	ârum	orum	ārām	نان	nun	nun	nān
آسیابان	ârvun	oravun	*ārbān	زبان	ozmun	özun	uzwān
ارزان	arzun	ârzun	arzān	خام	xum	xum	xām
آسمان	âsemun	osmun	āsmān	چوپان	čoppun	čöppun	šubān
گران	gorun	gerun	garān	امام	emum	emum	?imām
ناکام	nākum	nokum	nākām	حرام	harum	harum	harām
آوردن	âni-	uni-	ānīd-	بادام	vâyam	vödum	wādām
دانستن	zânâ-	zunâ-	zānâ-	داماد	zâmây	zumoy	zāmād

البته در مواردی که /ān/ یا /ām/ جزئی از یک توالی آوایی بوده و دچار دگرگونی شده باشد، احتمال پیشین‌شدگی هست، مانند:

جدول ۱۴. ظهور واکه‌های پیشین در اثر تحول توالی‌های آوایی

فارسی	طرقی	ایبانه‌ای	ایرانی میانه
کلون (کلیدان)	külün	köyyun	*kīlēl-dān
نمایاندن	---	nömün-	*nimāyān-
بردن (صورت سببی «شدن»)	---	šün-	*šaw-ān-

## ۲.۴ خاستگاه واکه /ö/ در ایبانه‌ای و طرقی

وضعیت واکه نوظهور /ö/ در مقایسه با واکه افراشته‌ترش یعنی /ü/ کمی بی‌نظم به نظر می‌آید. به عبارت دیگر واکه مذکور همواره بازتاب و نتیجه یک روند و دگرگونی واحد نیست. این واکه گاه نتیجه پیشین‌شدگی واکه ایرانی میانه (یا ایرانی نوی متقدم) /u/ است، مانند تحولی که در ایبانه‌ای رخ داده (نک جدول ۱۵) و گاه نتیجه پیشین‌شدگی واکه /ō/ است، مانند تحولی که در طرقی رخ داده (نک جدول ۱۶). مثال‌های دو جدول ۱۵ و ۱۶ نشانگر این موضوع‌اند:



جدول ۱۵. تغییرات واژه /u/ ایرانی میانه در ایبانه‌ای و طرفی

ایرانی میانه	ایبانه‌ای	طرفی	فارسی	ایرانی میانه	ایبانه‌ای	طرفی	فارسی
ādur	adōr	âzar	آذر	muhrag	mōhrâ	mohra	مُهره
āhun	ahōn	âhan	آهن	murd-	mârd-	mard-	مُرد-
āluh	alō	holof	عقاب	murw	mōrḡ	morḡ	پرنده
āmurz-	amōrz	âmorz	آمرز-	mušt	mōšta	mošt	مشت
angušt	angōšta	angošt	انگشت	nāxun	naxōn	nâxun	ناخن
astuxān	össōxun	ossoxun	استخوان	nāzuk	nazōk	nâzok	نازک
buland	bōland	beland	بلند	nuh	nōh	noh	نُه
bunag	bōnâ	bona	درخت	puhl	pöll	pol	پل
burd-	bârd-	bard-	بُرد-	pundik	fōndōḡ	fandoḡ	فندق
burg	bōrḡ	borḡ	برج	purr	pōrr	mašt	پُر
buz	bōza	bez	بز	pursīd-	pârsō-	parsâ-	پرسید-
čādur	čadōr	čovor	چادر	pušt	pâšt	pašt	پشت
čakuš	čakkōš	čakoš	چکش	puxt-	po-	paxt-	پخت-
drust	dōrōss	deress	درست	ruft-	rōtt-	rot-	رُفت-
društ	dōrōšt	dorošt	درشت	sabuk	savōk	sobok	سبک
dumb	dōmm	domb	دُم	šubān	čōppun	čoppun	چوپان
dušman	dōšman	došman	دشمن	šud-	šō-	šo-	رُفت-
duxt	dōte	dot	دختر	sumb	sōmm	somb	سُم
duxt-	dōtt-	dot-	دوشید-	suxt-	sōtt-	sot-	سوخت-
duzd	dōzz	dozz	دزد	šust-	šōšt-	šošt-	شست-
frušag	rōš	horoš	آغوز	truš	tōrōš	torš	ترش
gandum	gandōm	gandom	گندم	tumbak	dōmbâk	tambök	تنبک
gul	gōla	gol	گُل	tund	tōnd	tond	تند
gumbad	gōmbaz	gombez	گنبد	turk	tōrk	tork	تُرک
hušk	hōšk	hošk	خشک	ud	ō	o	وَ
juwān	jōvun	jevun	جوان	ummēd	ōmmid	omid	امید
juxt	jōft	joft	جفت	urmōd	amrud	ormō	امرود
ku/kū	kō	ko	کو؟	uštār	ōštōr	oštōr	شتر
ku/kū	kō	xo	که	uzwān	ōzun	ozmun	زبان
*kuwyāḡ	kūyo	kâ	کجا	xufts-	hōs-	hos-	خواب-
kulāf	kōlō	kōlâ	کلاه	xuft-	hōtt-	hot-	خُفت-

kulang	kōlang	keleng	کلنگ	xumb	hōmbā	---	خُم
kundur	kōndör	kondor	کندر	xunak	hüneκ	xonok	خنک
kunjid	kōnji	konji	کنجد	xurmā	hōrmα	ormā	خرما
kurrag	kōrrā	kori	کره	xwurd	hürd	hürd	خُرد
kušt-	kōšt-	košt-	کُشتن	yuddāg	yōyα	vōyā	جدا

جدول ۱۶. تغییرات واکه /ō/ ایرانی میانه در ابیانه‌ای و طرفی

ایرانی میانه	ابیانه‌ای	طرفی	فارسی	ایرانی میانه	ابیانه‌ای	طرفی	فارسی
ānōh/y	nūya	uhun	آنجا	mardōm	mārdōm	mardom	مردم
bōr	bur	bōr	بور	mōr	mōrjunā	mōrča	مورچه
bōy	bu	bu	بو	mōrd	murd	mōrd	مورد
čōb	ču	čōv	چوب	mōy	mü	mü	مو
dō	dō	do	دو	naxōd	naxōy	naxo	نخود
dōk	dúka	dúk	دوک	nōg	nuq	nō	نو
dōl	dul	dōl	دلو	ōš	huš	hōš	هوش
dōs-	dūs-	dūs-	چسبید-	ōšmārd-	ōzmār	ojmār	شمار-
dōst	dus	dōst	دوست	pōst	pus	pōs	پوست
dōš-	duš-	dōš-	دوش-	rōb-	rūy-	rōv-	روب-
drōšom	dōrōšōm	doršun	علامت	rōbāh	lu	low	رویه
drōw/y	dōru	dōrōv	دروغ	rōd	rōxunā	rōxāna	رودخانه
frōxš-	hōruš-	hrāš-	فروش-	rōd	rud	rud	رود (دلبند)
frōxt-	hōrut-	hōrāt-	فروخت-	rōdīg	lūlalα	rōya	روده
galōg	gal	nā	گلو	rōšn	rušnα	rōšnā	روشن
gōr	gurexar	gōr	گور	rōy	rūya	yo	روی
gōš	guš	gōš	گوش	*rōyīg	rūhi	rūhi	رویین
gōspand	gusfand	gōsfand	گوسفند	rōz	ru	rō	روز
gōšt	gušt	gōžd	گوشت	rōzag	rujā	rōjja	روز
gōy	gu	gu	گوی	imrōz	eru	ūrū	امروز
gōz	guhuz	yoz	گردو	rōyn	rōvan	rovun	روغن
habōy	havúqa	hōvō	هوو	šnōšaq	ōšnušā	hošnija	عطسه
hōšaq	hušā	hoša	خوشه	sōr/šōr	sur	šōr	شور
hōšid-	huš-	hošk-	خشکید-	šōy	šū	šū	شوهر
jōy	jū	jōvo	جو	šōy-	šur-	šōr-	شوی-

خاستگاه واژه‌های پیشین گرد در برخی زبان‌های ... (محمد مهدی اسماعیلی) ۶۷

kabōd	kabud	kabūd	کبود	sōz-	suj-	sūj-	سوز-
kōb-	kub-	kōv-	کوب-	tō/tū	tō	to	تو
*kōdag	kuyâ	kōya	سگ	tōhm	tōmm	tōm	تخم
kōh	ku	kōh	کوه	tōrag	šaqol	tōra	شغال
kōr	kur	kōr	کور	urmōd	amrud	ormō	امرود
kōst-	pešt-	koss-	کوبید-	xrōs	xōrus	xōrōs	خروس
kōy	kūčâ	kūča	کوچه	yōg/ŷuy	yōh	yōq	یوغ
kōd	kuy	kō	کود	zōr	zur	zōr	زور

مثال‌های جدول زیر گویای این مطلب است که واژه /ö/ در مواردی خاستگاه‌های دیگری نیز دارد از جمله گردشگی واژه‌های پیشین، مانند واژه /a/ هنگامی که در هجای اول باشد و در هجای بعدی واژه افتاده /ā/ قرار داشته باشد، یا همگونی واژه درج‌شده با واژه بعد از خود.

جدول ۱۷. دیگر خاستگاه‌های واژه /ö/ در ایبانه‌ای

ایبانه‌ای	فارسی	صورت کهن‌تر	ایبانه‌ای	فارسی	صورت کهن‌تر
dōroz	دراز	< darāz	xōndan	خواندن	< xwandan
sōvor	سوار	< sawār	xōssan	زدن	< xwastan
nōmoz	نماز	< namāz	nōfina	نفرین	< nifrīn
bōnâ	درخت	< wanaq	özöm	هیزم	< ēzm
zōmun	زمان	< zamān	hamō	همه	< hamaq
hōmune	انبان	< hambān	allōn	الآن	< al?ān
šōmšer	شمشیر	< šamšēr	ârzōna	ارزن	< arzan
tōlöfi	تلافی	< talāfi	kōm-	کام- (فعل)	< kām-
payqōmbar	پیغمبر	< payyambar	mōhram	محرّم	< mahram

جدول ۱۸. دیگر خاستگاه‌های واژه /ö/ در طرفی

طرفی	فارسی	ایرانی میانه	طرفی	فارسی	ایرانی میانه
endō	اینجا	< ēdar	tōnāf	طناب	< tanāb
bekōšâ	کشید (۳م)	< kēšādan	kōnār	کنار	< kanār
čōrâ	چراغ	< čirāy	hōlāk	هلاک	< halāk
kōtāb	کتاب	< ketāb	qōrār	قرار	< qarār

xörös	<	xrös	خروس	nösā	<	nasā	نسا
-------	---	------	------	------	---	------	-----

بررسی مثال‌های جدول‌های بالا نشانگر چند موضوع است. دو واکه پیشین گرد مذکور عمدتاً صورت تحول‌یافته و پیشین‌شدهٔ واکه‌های پسین ایرانی میانه و یا ایرانی نوی متقدم هستند. البته در این زبان‌ها برخلاف بعضی از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی که مشخصهٔ گردی لب‌ها در آنها از بین می‌رود، گردی لب‌ها کماکان باقی می‌ماند و این مسئله باعث به‌وجود آمدن واکه‌های جدیدی در نظام واکه‌ای این زبان‌ها شده است. هم‌چنین روشن است که این واکه‌های جدید همواره نتیجه و صورت تغییر یافتهٔ یک آوای واحد کهن‌تر و نتیجهٔ یک فرایند واحد نیستند. به‌عبارت دیگر تغییر و تحولات صورت‌گرفته در هر زبان صددرصد قانونمند و بدون استثناء نیست و این تبدیل در بافت‌های مشابه آوایی در موارد معدودی انجام نگرفته است. به‌طور کلی تغییرات در ایانه‌ای درمقایسه‌با طرفی به‌مراتب منظم‌تر است. دیگر آن که این دگرگونی‌ها در دو زبان مذکور دقیقاً همراستا و در یک جهت واحد نبوده است. براین اساس شاید منطقی‌تر باشد که از این تغییرات تحت‌عنوان گرایش نام برد، به این شرح: ۱- واکهٔ /ū/ (که در فارسی نو به /u/ تبدیل شده)، در این دو زبان غالباً به‌صورت مشترک به واکهٔ /ü/ تبدیل شده است. ۲- واکهٔ /u/ (که در فارسی نو به /o/ تبدیل شده)، در این دو زبان گرایش به تبدیل و تغییر به واکهٔ /ö/ (در ایانه‌ای) و /o/ (در طرفی) داشته است. ۳- واکهٔ /ō/ (که در فارسی نو به /u/ تبدیل شده)، در این دو زبان گرایش به تبدیل و تغییر به واکهٔ /u/ (در ایانه‌ای) و /ö/ (در طرفی) داشته است. این مطلب در جدول ۱۹ نیز نشان داده شده است.

جدول ۱۹. پیشین‌شدگی واکه‌های پسین در ایانه‌ای و طرفی

ایانه‌ای		ایرانی میانه		طرفی
ü	←	ū	→	ü
ö	←	u	→	o
u	←	ō	→	ö
o	←	ā	→	â

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی حاضر بیانگر آن است که فرایند پیشین‌شدگی در بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، علی‌الخصوص زبان‌های مرکزی که در این تحقیق دو گونهٔ آن خاص‌تر

بررسی شدند، در دو مورد صورت گرفته و باعث ظهور دو واکه پیشین گرد جدید شده که در تحقیقات پیشین، به مورد دوم معمولاً اشاره‌ای نشده است. اولین و در واقع رایج‌ترین تغییر، پیشین شدن واکه کشیده /ī/ ایرانی میانه (یا ایرانی نوی متقدم) به واکه هم‌ارتفاع و متناظرش یعنی /i:/ بوده است. دربارهٔ دو زبان ایبانه‌ای و طرقي می‌توان این گونه نظر داد که برخلاف نظر برخی محققان که وجود بافت خاصی، از جمله وجود همخوان‌های تیغه‌ای را، باعث و سبب این تبدیل عنوان کرده‌اند (اگرچه بعد از تیغه‌ای‌ها و در هجای پایانی (در کلمات چندهجایی) رخداد بیشتری دارد) ولی همانگونه که از مثال‌های ارائه شده در بخش قبل (۱.۴) برمی‌آید، برای آن توجیه و بافت آوایی ویژه‌ای را نمی‌توان مطرح کرد، بلکه باید آن را فرایندی غیرمشروط دانست. به عبارت دیگر گرچه سبب یا علت این پیشین‌شدگی به درستی مشخص نیست ولی آنگونه که در برخی منابع زبانشناسی تاریخی، از جمله تراسک (Trask, 1996: 89) عنوان شده، تغییر و گرایشی نسبتاً معمول در زبان‌های دنیا است. لاس (Lass, 1997: 178) نیز پیشین‌شدگی فارغ‌ازبافت (context-free) واکه افراشته /u/ را (دست‌کم در زبان‌های هندواروپایی غربی) بسیار رایج و معمول می‌داند که در زبان‌هایی مثل یونانی آتیکی، آلبانیایی، ایسلندی، اسکاتلندی، انگلیسی آفریقای جنوبی و هلندی رخ داده است. وقوع این تبدیل که مشترکاً در اکثر زبان‌های منطقه مرکزی ایران رخ داده، همانگونه که گفته شد همراستا و در تایید این گفته است.

ولی در مورد دوم از فرایند پیشین‌شدگی (یعنی واکه /ö/)، نظم و ترتیب بالنسبه تقریبی‌ای که در مورد واکه قبلی وجود دارد دیده نمی‌شود. در این مورد یا مانند آنچه در ایبانه‌ای رخ داده است، واکه افراشته کوتاه /u/؛ یا مانند آنچه در طرقي رخ داده است، واکه نیم‌افراشته کشیده /ō/ ایرانی میانه/ایرانی نوی متقدم (که هر دو در مقایسه با /ū/ افراشته‌گی کم‌تری داشته‌اند)، پیشین شده و به واکه هم‌ارتفاع خود یعنی /ö/ تغییر یافته‌اند. به این ترتیب با اضافه شدن این دو واج، تغییری در تعداد و توزیع در نظام واجی این زبان‌ها به وجود آمده و به عبارت دیگر انشقاق واجی رخ داده است.

نکته دیگری که در دنبالهٔ موضوع پیشین‌شدگی غالباً مطرح می‌شود، حذف مختصه گردی این واکه‌ها یا همان فرایند گردی‌زدایی (unrounding) است که البته در زبان‌های مرکزی از جمله ایبانه‌ای و طرقي کمتر دیده می‌شود. از دید در زمانی، برخی از زبان‌ها مانند انگلیسی، کره‌ای و چامورو (Chamorro) تقابل و تمایز واکه‌های پیشین گرد و غیرگرد را به

نفع واکه‌های پیشین غیرگرد خود از دست داده‌اند (Dohlus, 2010: 27-28). به عبارت دیگر در این زبان‌ها که قبلاً پیشین‌شدگی رخ داده بوده است، سرانجام واکه‌های پیشین‌شده، گردی خود را از دست داده و به قرینه و متناظر غیرگرد خود تبدیل شده‌اند (ibid.). چنین وضعیتی ظاهراً در برخی زبان‌های مرکزی نیز رخ داده و یا در حال رخ دادن است، به طوری که می‌شود آن را در گفتار گویشوران کم‌سن‌وسال‌تر این زبان‌ها مشاهده کرد. مشهودترین مثال قابل ذکر، مورد گونه یارتندی از مجموعه زبان‌های منطقه نطنز است. با مقایسه داده‌های پژوهش میدانی نگارنده مربوط به اوایل دهه ۱۳۹۰، با داده‌های کریستن‌سن (Christensen, 1930) این مسئله معلوم شد که در این فاصله زمانی حدوداً هشتاد ساله، حذف گردی در این گویش کاملاً رخ داده است. برخی از این واژه‌ها عبارت‌اند از: /sir/ «سرخ»، /xin/ «خون»، /kiča/ «کوچه»، /pira/ «پسر»، /riyan/ «روغن»، /ši/ «شوهر»، /jixča/ «کوچک»، /pil/ «پول»؛ که کریستن‌سن (ibid.) آنها را به ترتیب به صورت *χün, sūr, χün, sūr, pil, jixča, šü, arüan, pürä, küčä* ضبط کرده است.

دلیل این امر را شاید بتوان بار نقشی (functional load) ناچیزی دانست که در بیش‌تر زبان‌های مرکزی ایران، میان واکه گرد /ü/ با واکه غیرگرد متناظرش یعنی /i/ وجود دارد. به این معنی که تعداد جفت کمینه‌های موجود برای تقابل میان این دو واکه اندک بوده و به همین سبب پس از حذف گردی، تعداد واژه‌های هم‌آوا آنقدر نمی‌شود که باعث اختلال در تفهیم و تفاهم زبانی بگردد. برای نمونه تعداد جفت کمینه‌هایی که در ایبانه‌ای تقابل این دو واکه را نشان می‌دهند طبق بررسی نگارنده همین پنج مورد هستند که در جدول زیر آمده‌اند:

جدول ۲۰. تقابل واجی واکه‌های افراشته در ایبانه‌ای

	/i/	≈	/ü/	≈	/u/	
di	دیدن		dü	دود	du	دوغ
gi	باید		gü	گه	gu	توب/گوی
pir	پیر		pür	پسر	---	---
ši	پهن (پهن کردن)		šü	شوهر	---	---
âvri	ابری		âvrü	ابرو	---	---

بررسی داده‌ها همچنین نشانگر آن بودند در مواردی که واکه /u/ صورت تغییر یافته و افراشته شده واکه /ā/ پیش از همخوان‌های خیشومی است، پیشین‌شدگی رخ نداده که نشان می‌دهد پیشین‌شدگی واکه /u/ قبل از افراستگی واکه /ā/ به انجام رسیده بوده است. نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که غالب تغییرات آوایی مقطعی هستند و فقط برای یک دوره و زمانه‌ای خاص عمل می‌کنند و سپس از بین می‌روند (Trask, 1996: 91) که این موضوع درباره زبان‌های مورد بحث نیز صادق است. در ابیانه‌ای پیشین‌شدگی امروزه درباره واکه افراشته /u/ تقریباً متوقف شده و کلمات قرضی واجد شرایط را تحت تأثیر خود تغییر نمی‌دهد، اگرچه در مورد واکه میانی (یعنی تبدیل /o/ فارسی به /ö/ در ابیانه‌ای) هنوز کاملاً فعال است و کلماتی که در فارسی دارای واکه /o/ هستند، در این گویش مشمول تبدیل شده و با واکه /ö/ تلفظ می‌شوند.

### کتاب‌نامه

- اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۷). «بررسی واکه‌های پیشین گرد در گویش‌های مرکزی ایران»، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی زبان‌شناسی ایران، (به‌کوشش: مجتبی منشی‌زاده، گلناز مدرس قوامی و همه‌ناز تفنگدار)، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۵۱-۶۶.
- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۴). *واج‌شناسی نظریه بهینگی*، تهران: سمت.
- بیلمایر، رولاند (۱۳۸۳). «یغناپی»، *راهنمای زبان‌های ایرانی (ج ۲)*، رودیگر اشمیت (ویراستار)، ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس، ص ۷۷۹-۷۹۱.
- دیهم، گیتی (۱۳۸۰). «گردآوری زبان‌های دهاتی منطقه قصران»، *مجله زبان‌شناسی*، سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، ص ۲-۱۸.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۵). *راهنمای زبان بارتی (پهلوی اشکانی)*، تهران: ققنوس.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۸۸). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، (ترجمه مهشید میرفخرایی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۴) «دستگاه واجی گویش تالشی و کاربرد آن در تحلیل بعضی خصوصیات فارسی جدید»، *مجله زبان‌شناسی*، سال بیستم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، ص ۳۹-۵۶.

- Beekes, R. S. B. (2011) *Comparative Indo-European Linguistics, An Introduction*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Boyce, M. (1977) *A Word-List of Manichaean Middle Persian and Parthian*, (*Acta Iranica 9a*), Téhéran Liège.
- Campbell, L. (2004) *Historical Linguistics: An Introduction*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Christensen, A. (1930) *Contribution à la Dialectologie Iranienne I (Dialecte guiläkī de Recht, dialectes de Färizānd, de Yaran et de Natanz, avec un supplément contenant quelques texts dans le persan vulgaire de Téhéran)*, Det Kgl. Danske Videnskabernes Selskab. Historisk-filologiske Meddelelser 17/2, København.
- Dohlus, K. (2010) *The Role of Phonology and Phonetics in Loanword Adaptation: German and French Front Rounded Vowels in Japanese*, Frankfurt am Main: Peter Lang gmbH.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004) *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian (Corpus Fontium Manichaeorum Subsidia: Dictionary of Manichaean Texts III: Texts from Central Asia and China 1)*, Turnhout, Brepols Publishers
- Efimov, V. A. (2011) *TheOrmuri Language in Past and Present*, (translated by: Baart, Joan L.G.) Islamabad: Forum for Language Initiatives.
- Elfenbein, J. (1997) "Balochi Phonology", *Phonologies of Asia and Africa, vol. 1*, (ed. Alan. S. Kaye), Winona Lake, Eisenbrauns. pp. 761-776.
- Fortson, B. W. (2004) *Indo-European Language and Culture: An Introduction*, MA: Blackwell Publishing.
- Gussenhoven, C. & Jacobs, H. (2011) *Understanding Phonology*, UK: Hodder Education.
- Geiger, W. (1898-1901) "Centrale Dialekte", *Grundriss der iranischen Philologie I/2*, (W. Geiger and E. Kuhn, eds.), Strassburg: Karl Trübner, pp. 381-406.
- Idō, Sh. (2009) "An Analysis of the Formation of the Tajik Vowel System", *Multilingualism, Proceedings of the 23rd Scandinavian Conference of Linguistics. Acta Universitatis Upsaliensis: Studia Linguistica Upsaliensia 8*. Anju Saxena and Åke Viberg (eds.), Uppsala, pp. 65-74.
- Idō, Sh. (2014) "Bukharan Tajik", *Journal of the International Phonetic Association, 44 (1)*, pp. 87-102.
- Jakobson, R. (1968) *Child Language Aphasia and Phonological Universals*, Mouton Publishers, The Hague.
- Kaye, A. S. (1997) "Arabic Phonology", *Phonologies of Asia and Africa, vol. 1*, (ed. Alan. S. Kaye), Winona Lake, Eisenbrauns. pp. 187-204.
- Kieffer, C. M. (2009) "Parachi", *The Iranian Languages*, London and New York: Routledge. pp. 693-720.
- Krahnke, K. J. (1976) *Linguistic Relationships in Central Iran*, Ph.D. dissertation, University of Michigan.



- Lass, R. (1997) *Historical Linguistics and Language Change*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Maddieson, I. (1984) *Patterns of Sounds*, Cambridge: CUP.
- Maddieson, I. (2005) "Front Rounded Vowels", *The World Atlas of Language Structures*, Oxford: Oxford University Press.
- Miller, C., and Moats, N., (2011) "Convergence on [u] across Persian Dialects" Poster presented at International Conference on Iranian Linguistics 4, Uppsala, Sweden.
- Morgenstierne, G. V. (1929) *Indo-Iranian Frontier Languages. Vol. I. Parachi and Ormuri*, Oslo, H. Aschehoug & Co., W. Nygaard.
- Morgenstierne, G. V. (1958) "Neu-iranische Sprachen", *Handbuch der Orientalistik I/4*, (B. Spuler, ed.), Leiden: Brill.
- Novák, L. (2013) *Problem of Archaism and Innovation in the Eastern Iranian Languages* (Ph.D. Thesis), Prague.
- Novák, L. (2018) "Yaghnobi: an example of a language in contact", *Chatreššar (International Journal for Indo-European, Semitic, Cuneiform Languages)*, 2018 (2).
- Okati, F., Ahangar, A. A. and Jahani, C. (2009) "Fronting of /u/ in Iranian Sistani". *Orientalia Suecana*, 58, pp. 120-131.
- Szemerényi, O. J. L. (1996) *Introduction to Indo-European Linguistics*, Oxford: Oxford University Press.
- Skjærvø, P. O. (2009) "Middle West Iranian", *The Iranian Languages*, London and New York: Routledge. pp. 196-278.
- Stilo, D. (2007) "Isfahan, xxii. Gazi Dialect", *Encyclopædia Iranica, Vol. XIV, Fasc. 2*, New York: Mazda Publisher, pp. 113-119.
- Thompson, R. (2017) "Greek", *The Indo-European Languages*, M. Kapović (ed.), London and New York, Routledge, pp. 287-316.
- Trask, R. L. (1996) *Historical Linguistics*, London: Arnold.
- Velupillai, V. (2012) *An Introduction to Linguistic Typology*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Windfuhr, G. and Perry, Y. (2009) "Persian and Tajik", *The Iranian Languages*, London and New York: Routledge. pp. 416-544.
- Woodard, R. D. (2015) "Greek Dialects", *The Cambridge Encyclopedia of the World's Ancient Languages*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 650-672.